

روز پدر بر همه پدرهای مهربان مبارک

پدر یعنی تمثال فداکاری و عشق! پدر یعنی اسطوره ی مهر و محبت! پدر یعنی اوج صفا و صمیمیت! پدر یعنی بهترین مخلوق خداوند! پدر یعنی نبض زندگی! پدر یعنی همه ی چیزهای خوب یکجا! پدر یعنی تمام هست و نیست زندگی! پدر یعنی همیشه یکی رو داری که مثل کوه پشتته! پدر یعنی مُعَلِّم! پدر یعنی اُستاد! پدر یعنی مُرشد! پدر یعنی راهنما! پدر یعنی مُربی! پدر یعنی مُحَمَّد صلی الله علیه و آله! پدر یعنی علی صلوات الله علیه! و خلاصه پدر یعنی همه چی همه چی همه چی

وفي الحديث الآباء ثلاثة : أب ولدك. وأب زوجك. وأب علمك. [الغدير علامه اميني جلد 1 صفحه 369]. قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: الآباء ثلاثة: أبٌ وَلَدَكَ، و أبٌ زَوْجَكَ، و أبٌ عِلْمَكَ. پیامبر اعظم (ص) فرمود: پدران سه قسم هستند: ۱- پدری که تو را به دنیا آورد ۲- پدری که دخترش را به همسری تو درآورد. ۳- و پدری که علم به تو آموخت [تحریر المواعظ العددیه ص 247]. «انسان سه تا پدر دارد: ۱. پدری که باعث به وجود آمدن او شده؛ ۲. پدری که دخترش را به عقد او در می آورد؛ ۳. پدری که به او علم می آموزد». در معنای «أب» گفته شده، هر کسی که سبب پیدایش، اصلاح یا پیرایش و ظهور چیزی شود آن را «أب» می گویند. [المفردات، ص 57]. با توجه به معنای لغوی «أب» رابطه این واژه با معلم و پدر همسر نیز روشن می شود؛ زیرا همان طور که پدر (نسبی) در رشد جسمی و روحی فرزندان دخیل است، معلم و پدر همسر نیز در رشد روحی و شخصیتی افراد نقش به سزایی دارند. کسانی که سرپرستی و تربیت انسان را بر عهده گرفته باشند نیز در حکم «أب» می باشند. در قرآن از «أذر» عموی حضرت ابراهیم علیها السلام به عنوان اب؛ یعنی پدری که سرپرستی او را به عهده داشته است، یاد میشود. ملا محمد مهدی نراقی ذیل سخن مطرح در پرسش می گوید: برترینشان معلم است، از ذوالقرنین پرسیده شد پدرت را بیشتر دوست داری یا معلمت را؟ گفت: معلم؛ زیرا معلم سبب زندگی معنوی و اخروی است، [روشن است که بسیاری از پدرها علاوه بر مقام پدری برای فرزندان جایگاه معلمی را دارا هستند] اما پدر تنها سبب زندگی مادی و دنیوی است [جامع السعادات، ج 3، ص 140-141]. در منابع اسلامی از این شخصیت های اثرگذار با واژه «أب» یاد شده است و همچون پدر حقیقی به اکرام و پاسداشت آنها سفارش گردیده است.

با نگاهی به روایات در میابیم که برای «أب» سه معنا بیان شده است:

1. مراد از «أب»، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیها السلام است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أنا و عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ [معانی الأخبار، ابن بابویه، ص 52]. من و علی پدران این امت هستیم». در روایتی از امام رضا علیها السلام، وجود پاک و منور ائمه علیهما السلام به عنوان پدران دلسوز و مهربان معرفی شده است: «الإمامُ الأمينُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ؛ [کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، ج 1، ص 678]. امام، امینی همراه، و پدری مهربان است» [بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 53، ص 175]. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «وَلَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ وَالِدِهِمْ؛ [بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 36، ص 9]. همانا حق ما بزرگ تر از حق پدران و مادران آنها است». پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حق امیرمؤمنان علیها السلام فرمودند: «حَقُّ عَلِيِّ عَلَى النَّاسِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ؛ [روضة

الواعظین، فتال نیشابوری، ج 1، ص 128]. حقّ علی علیها السلام بر مردم، مانند حقّ پدر بر فرزندش است»

2. مراد از «أب»، معلّمی است که سبب هدایت انسان است، و او را به واسطه تعلیم و تربیت از ضلالت و گمراهی نجات میدهد. «در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: و أمّا حقّ سائسک بالعلم، التّعظیم له و التّوقیر لمجلسه و حسن الاستماع الیه و الاقبال علیّه و انّ لا تُرفع صوتک و ان لا یجیب احدًا یسأله عن شیء حتّی یكون هو الذی یجیب و لا تُحدّث فی مجلسه احدًا و لا تغتاب عنده احدًا و ان ترفع عنه اذا ذکر عندک بسوء و ان تستر عیوبه و تطهر مناقبه و لا تجالس له عدوًّا و لا تعادی له ولیّا فاذا فعلت ذلک شهّد لک ملائکة الله بانّک قصدته و تعلّمت علمه لله جلّ اسمُه لا للناس»؛ [تحف العقول، ص 260] مراد از «سائس بالعلم» در بیان حضرت همان معلّم است، چنانچه در کتب لغت، «سائس» مترادف کلمه «قیم» به معنای برپا دارنده، وادار کننده چیزی است. [لسان العرب، ج 6، ص 10]. حضرت در این بیان گهربار برخی از حقوق معلّم را متذکر می‌گردند که عبارتند از: بزرگ شمردن او، محترم شمردن مجلس درسش، خوب گوش دادن به درسش و توجه کامل داشتن به او، جواب ندادن به پاسخ سؤال کنندگان تا خود او خود پاسخ بگوید، صحبت نکردن با کسی در مجلس درس استاد، غیبت نکردن در نزد او، و به عبارتی حفظ حریم معنوی استاد تا جائی که نکند شاگرد به طور ناخواسته موجب شود استادش غیبتی را بشنود و درجه‌ای از درجات معنوی او کاسته شود و یا مجبور به تندی با شاگرد در نهی او شود. هرگاه در حضور شاگرد از استاد به بدی یاد شود از او دفاع نماید، پنهان کردن عیوب استاد و آشکار نمودن فضائلش، نشست و برخاست نکردن با دشمنانش و دشمنی نکردن با دوستانش».

3. مراد از «أب»، پدر حقیقی و نسبی است که احترام و نکوداشت او بر همگان لازم است و آزار او از محرّمات شمرده شده است. افزون بر موارد یاد شده، از «پدر همسر» که تربیت و حفاظت دخترش را بر عهده داشته و کمالات انسانی، سجایای اخلاقی و راه و رسم شوهرداری را به او آموخته است، با عنوان «أب» یاد شده است که بدون تردید در زندگی مرد نیز نقش آفرین می‌باشد. «امام زین العابدین علیه السلام فرمود: أمّا حقّ أبیک فإنّ تعلّم أنّه أصلک فإنّک لولاه لم تکن فمهما رأیت من نفسیک ما یعجّبک فاعلم أنّ أباک أصل النعمه علیک فیہ فاحمد الله و اشکره علی قدر ذلک و لا قوّة إلا بالله. (من لایحضره الفقیه، ج 2، ص 621). امالی صدوق، ص 371) حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است و اگر او نبود تو هم نبودی و آن نعمت‌هایی که در خود می‌بینی و می‌پسندی بدان که پدرت سرچشمه این نعمت‌ها برای توست. پس خدا را ستایش کرده و در مقابل این نعمت شکر نما و بدان که هیچ نیروئی نیست مگر از طرف خدا». «امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: فم عن مجلسیک لأبیک و معلّمک و لو کنت أمیراً! (مستدرک الوسائل، ج 15، ص 203) در هر مجلسی باشی به احترام پدر و معلّم به پا خیز، گر چه در تخت شاهی نشسته باشی!»

اگر پدر زنده است رحمت و مهربانی و... نسبت به او «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا کَمَا رَبَّیْنِی صَغِیراً! [اسراء آیه 24] و بگو: پروردگارا! بر آنها [والدین] رحم کن، همان طور که مرا در خردسالی ام تربیت کردند». «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا کَرِیْمًا! [اسراء آیه 23] هیچ گاه کم‌ترین اهانتی به والدین روا مدار و بر آنان فریاد مزن و گفتار [لطیف و سنجیده و] بزرگوارانه به آنها بگو!». «وَأَخْفِضْ

لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلَّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ [اسراء آیه 24] و بالهای تواضع خویش را از روی رحمت و مهربانی در برابر والدین فرود آر!» . از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حق پدر بر فرزند سؤال کردند، ایشان جواب داد: «لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسِيبُ لَهُ؛ [کافی، شیخ کلینی، ج 2، ص 159] فرزند نباید پدر خود را به نام صدا بزند و در راه رفتن و نشستن بر او سبقت بگیرد و موجب توهین دیگران به او شود»
و اگر پدر به رحمت خدا رفته است دعا و طلب آمرزش برای او «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ؛ [ابراهیم آیه 41] پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و تمام مؤمنان را در روزی که حساب برپا میشود، ببخش و پیامرز!» . «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا؛ [نوح آیه 28] پروردگارا! مرا پیامرز و همچنین پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند» . «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا؛ [اسراء آیه 24] و بگو: پروردگارا! بر آنها [والدین] رحم کن، همان طور که مرا در خردسالی ام تربیت کردند» انس بن مالک می گوید: در یک ماه رمضان نزد امیرالمؤمنین علیها السلام نشسته بودم. حضرت علیها السلام، فرزندش امام حسن علیها السلام را صدا زد و فرمود: یا ابا محمد! بالای منبر برو و خدای را زیاد ستایش کن و از جدّت رسول خدا صلی الله علیه و آله به بهترین وجه یاد کن و آن گاه بگو: «لَعَنَ اللَّهُ وَلَدًا عَقَّ أَبُوتَهُ لَعَنَ اللَّهُ وَلَدًا عَقَّ أَبُوتَهُ لَعَنَ اللَّهُ وَلَدًا عَقَّ أَبُوتَهُ، لَعَنَ اللَّهُ عَبْدًا أَبَقَ عَنْ مَوْلَاهِ لَعَنَ اللَّهُ عَتَمًا ضَلَّتْ عَنْ الرَّاعِي؛ از رحمت خدا دور باد فرزندی که عاق پدر و مادر خود شود. از رحمت خدا دور باد فرزندی که عاق پدر و مادر خود شود. از رحمت خدا دور باد بنده ای که از مولا و سروران خود فرار کند. از رحمت خدا دور باد گوسفندی که از چوپان خود [دور و] گمراه شود.» امام حسن علیها السلام بالای منبر رفت و دستور پدر را اطاعت کرد. مؤمنان گرد او جمع شدند و عرض کردند: یابن امیرالمؤمنین! و یابن بنت رسول الله! کلامت را توضیح بده! حضرت علیها السلام فرمود: جواب را از پدرم امیرمؤمنان علیها السلام بگیرید! مردم نزد حضرت علیها السلام آمدند و پرسیدند: منظور از کلماتی که فرزندت حسن علیها السلام گفت، چیست؟ حضرت علیها السلام فرمود: روزی با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواندم، آن گاه حضرت دست راست خود را بر شانه ام زد و مرا به سینه چسبانید و فرمود: «يَا عَلِيُّ! قُلْتُ: لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ! قَالَ: أَنَا وَ أَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، قُلْعَنَ اللَّهُ مَنْ عَقَّنَا، قُلْ: آمِينَ! قُلْتُ: آمِينَ. قَالَ: أَنَا وَ أَنْتَ مَوْلَايَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، قُلْعَنَ اللَّهُ مَنْ أَبَقَ عَنَّا، قُلْ: آمِينَ! قُلْتُ: آمِينَ. ثُمَّ قَالَ: أَنَا وَ أَنْتَ رَاعِيَا هَذِهِ الْأُمَّةِ، قُلْعَنَ اللَّهُ مَنْ ضَلَّ عَنَّا، قُلْ: آمِينَ! قُلْتُ: آمِينَ؛ ای علی! گفتم: لبیک ای رسول خدا! فرمود: من و تو پدران این امت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی که عاق ما شود! بگو: آمین! گفتم: آمین. سپس فرمود: من و تو مولا و سرور این امت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی که از ما گمراه شود! بگو: آمین! گفتم: آمین. آن گاه فرمود: من و تو [سرپرست و] راهنمای این امت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی که از ما گمراه شود! بگو: آمین! گفتم: آمین» . امیرمؤمنان علیها السلام در ادامه فرمود: شنیدم کس دیگری نیز با ما آمین می گوید. از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: صدای کیست؟ فرمود: جبرئیل» [معانی الأخبار، ابن بابویه، ص 118]
ای پدر، ای با دل من همنشین - ای صمیمی، ای برانگشتارنگین
ای پدر، ای همدم تنهائیم - روشنایی ی شب تنهائیم

ای پدر بوی شقایق می دهی - عشق را تو یادِ عاشق می دهی
ای پدر بوی محبت می دهی - تو به روح من طراوت می دهی
ای پدر روح و روان من تویی - زندگی و جسم و جان من تویی
ای پدر هستی مرا تاجی یسر - هر چه دارم از تو دارم ای پدر
ای پدر هستی ی من از هست تو است - زندگی و مرگ من در دست تو است
ای پدر بود و نبود من تویی - زندگانی و وجود من تویی
مال من هستی ی من از آن تو است - جسم و جان من ز جسم و جان تو است
ای پدر هستی چو ابر نو بهار - همچو باران بر سرای من بیار
ای طنین نام تو بر گوش من - ای پناه گریه ی خاموش من
ای سپیدار بلند و پایدار - نام تو باشد برایم افتخار
تکیه گاه محکم من، ای پدر - تومرا باشی چنان تاجی به سر
باقری ممنون زحمتهای تو است - زندگانی ز رحمتهای تو است
تنظیم شده به مناسبت روز پدر سال 1399 توسط حجة الاسلام سید محمد باقری

پور
مرسسه فرهنگی هدایت
www.hedayat.org

روز پدر بر همه پدرهای مهربان مبارک

پدر یعنی تمثال فداکاری و عشق! پدر یعنی اسطوره ی مهر و محبت! پدر یعنی اوج صفا و صمیمیت! پدر یعنی بهترین مخلوق خداوند! پدر یعنی نبض زندگی! پدر یعنی همه ی چیزهای خوب یکجا! پدر یعنی تمام هست و نیست زندگی! پدر یعنی همیشگی رو داری که مثل کوه پشتت! پدر یعنی مُعَلِّم! پدر یعنی اُستاد! پدر یعنی مُرشد! پدر یعنی راهنما! پدر یعنی مُرَبِّی! پدر یعنی مُحَمَّد صَلَّی اللہ علیہ و آلہ! پدر یعنی علی صلوات اللہ علیہ! و خلاصه پدر یعنی همه چی همه چی همه چی

وفي الحديث الآباء ثلاثة : أب ولدك. وأب زوجك. وأب علمك. [الغدير علامه اميني جلد 1 صفحه 369]. قال رسول الله صَلَّی اللہ علیہ و آلہ و سَلَّمَ: الآباءُ ثلاثةٌ: أبٌ وَلَدُكَ، و أبٌ زَوْجُكَ، و أبٌ عِلْمُكَ . پیامبر اعظم(ص) فرمود: پدران سه قسم هستند: ۱- پدری که تو را به دنیا آورد ۲- پدری که دخترش را به همسری تو درآورد. ۳- و پدری که علم به تو آموخت [تحریر المواعظ العددیہ ص 247]. «انسان سه تا پدر دارد: ۱. پدری که باعث به وجود آمدن او شده؛ ۲. پدری که دخترش را به عقد او در می آورد؛ ۳. پدری که به او علم می آموزد». در معنای «أب» گفته شده، هر کسی که سبب پیدایش، اصلاح یا پیرایش و ظهور چیزی شود آن را «أب» می گویند. [المفردات، ص 57]. با توجه به معنای لغوی «أب» رابطه این واژه با معلم و پدر همسر نیز روشن می شود؛ زیرا همان طور که پدر (نسبی) در رشد جسمی و روحی فرزندان دخیل است، معلم و پدر همسر نیز در رشد روحی و شخصیتی افراد نقش به سزایی دارند. کسانی که سرپرستی و تربیت انسان را بر عهده گرفته باشند نیز در حکم «أب» می باشند. در قرآن از «آذر» عموی حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان اب؛ یعنی پدری که سرپرستی او را به عهده داشته است، یاد می شود. ملا محمد مهدی نراقی ذیل سخن مطرح در پرسش می گوید: برترینشان معلم است، از ذوالقرنین پرسیده شد پدرت را بیشتر دوست داری یا معلمت را؟ گفت: معلم؛ زیرا معلم سبب زندگی معنوی و اخروی است، [روشن است که بسیاری از پدرها علاوه بر مقام پدری برای فرزندان جایگاه معلمی را دارا هستند] اما پدر تنها سبب زندگی مادی و دنیوی است [جامع السعادات، ج 3، ص 140-141]. در منابع اسلامی از این شخصیت های اثرگذار با واژه «أب» یاد شده است و همچون پدر حقیقی به اکرام و پاسداشت آنها سفارش گردیده است.

با نگاهی به روایات در می یابیم که برای «أب» سه معنا بیان شده است:

1. مراد از «أب»، پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ و آلہ و امیرمؤمنان علیه السلام است. رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» [معانی الأخبار، ابن بابویه، ص 52]. من و علی پدران این امت هستیم». در روایتی از امام رضا علیه السلام، وجود پاک و منور ائمه علیهم السلام به عنوان پدران دلسوز و مهربان معرفی شده است: «الْإِمَامُ الْأَمِينُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ؛ [کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، ج 1، ص 678]. امام، امینی همراه، و پدری مهربان است» [بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 53، ص 175]. از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ شنیدم که فرمود: «وَلَحَقْنَا عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ مِنْ حَقِّ وَالِدِيهِمْ» [بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج 36، ص 9]. همانا حق ما بزرگ تر از حق پدران و مادران آنها است». پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ درباره حق امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «حَقٌّ عَلَيَّ عَلَى النَّاسِ كَحَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ؛ [روضة الواعظین، فتال نیشابوری، ج 1، ص 128]. حق علی علیه السلام بر مردم، مانند حق پدر بر فرزندش است»

2. مراد از «أب»، معلّمی است که سبب هدایت انسان است، و او را به واسطه تعلیم و تربیت از ضلالت و گمراهی نجات می‌دهد. «در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام: و أَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ، التَّعْظِيمُ لَهُ وَ التَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَ حَسْنُ الاسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَ الْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَا تَرْفَعَ صَوْتَكَ وَ أَنْ لَا يُجِيبَ أَحَدًا يُسَالُهُ عَنْ شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ وَ لَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا وَ لَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا وَ أَنْ تَرْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسَوْءٍ وَ أَنْ تَسْتُرَ عِيوبَهُ وَ تُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ وَ لَا تَجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَ لَا تَعَادِيَ لَهُ وَلِيًّا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَهِدَ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ وَ تَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ»؛ [تحف العقول، ص ۲۶۰] مراد از «سائس بالعلم» در بیان حضرت همان معلّم است، چنانچه در کتب لغت، «سائس» مترادف کلمه «قیّم» به معنای برپا دارنده، وادار کننده چیزی است. [لسان العرب، ج ۶، ص ۱۰]. حضرت در این بیان گهربار برخی از حقوق معلم را متذکر می‌گردند که عبارتند از: بزرگ شمردن او، محترم شمردن مجلس درسش، خوب گوش دادن به درسش و توجه کامل داشتن به او، جواب ندادن به پاسخ سؤال کنندگان تا خود او خود پاسخ بگوید، صحبت نکردن با کسی در مجلس درس استاد، غیبت نکردن در نزد او، و به عبارتی حفظ حریم معنوی استاد تا جائی که نکند شاگرد به طور ناخواسته موجب شود استادش غیبتی را بشنود و درجه‌ای از درجات معنوی او کاسته شود و یا مجبور به تندى با شاگرد در نهی او شود. هرگاه در حضور شاگرد از استاد به بدی یاد شود از او دفاع نماید، پنهان کردن عیوب استاد و آشکار نمودن فضائلش، نشست و برخاست نکردن با دشمنانش و دشمنی نکردن با دوستانش».

3. مراد از «أب»، پدر حقیقی و نسبی است که احترام و نکوداشت او بر همگان لازم است و آزار او از محرّمات شمرده شده است. افزون بر موارد یاد شده، از «پدر همسر» که تربیت و حفاظت دخترش را بر عهده داشته و کمالات انسانی، سجایای اخلاقی و راه و رسم شوهرداری را به او آموخته است، با عنوان «أب» یاد شده است که بدون تردید در زندگی مرد نیز نقش آفرین می‌باشد. «امام زین العابدین علیه السلام فرمود: أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهٗ أَصْلُكَ فَإِنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهُمَا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (من لايحضره الفقيه، ج 2، ص 621. امالی صدوق، ص 371) حق پدرت این است که بدانی او ریشه تو است و اگر او نبود تو هم نبودی و آن نعمت‌هایی که در خود می‌بینی و می‌پسندی بدان که پدرت سرچشمه این نعمت‌ها برای توست. پس خدا را ستایش کرده و در مقابل این نعمت شکر نما و بدان که هیچ نیروئی نیست مگر از طرف خدا». «امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مُعَلِّمِكَ وَ لَوْ كُنْتَ أَمِيرًا؛ (مستدرک الوسائل، ج 15، ص 203) در هر مجلسی باشی به احترام پدر و معلمت به پا خیز، گر چه در تخت شاهی نشسته باشی!»

اگر پدر زنده است رحمت و مهربانی و... نسبت به او «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ [اسراء آیه 24] و بگو: پروردگارا! بر آنها [والدین] رحم کن، همان طور که مرا در خردسالی ام تربیت کردند». «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ [اسراء آیه 23] هیچ گاه کم‌ترین اهانتی به والدین روا مدار و بر آنان فریاد مزن و گفتار [لطیف و سنجیده و] بزرگوارانه به آنها بگو». «وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ؛ [اسراء آیه 24] و بالهای تواضع خویش را از روی رحمت و مهربانی در برابر والدین فروود آر!». از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حق پدر بر فرزند سؤال کردند، ایشان جواب

ای پدر روح و روانِ من تویی - زندگی و جسم و جانِ من تویی
ای پدر هستی مرا تاجی بَسَر - هر چه دارم از تو دارم ای پدر
ای پدر هستی ی من از هستِ تو است - زندگی و مرگِ من در دستِ تو است
ای پدر بود و نبودِ من تویی - زندگانی و وجودِ من تویی
مال من هستی ی من از آنِ تو است - جسم و جانِ من ز جسم و جانِ تو است
ای پدر هستی چو ابرِ نو بهار - همچو باران بر سرایِ من ببار
ای طنینِ نامِ تو بر گوشِ من - ای پناهِ گریه ی خاموشِ من
ای سپیدارِ بلند و پایدار - نامِ تو باشد برایم افتخار
تکیه گاه محکم من، ای پدر - تومرا باشی چنان تاجی به سر
باقری ممنونِ زحمتهایِ تو است - زندگانیِش زِ رحمتهایِ تو است
تنظیم شده به مناسبت روز پدر سال 1399 توسط حجة الاسلام سید محمد باقری پور
مرسسه فرهنگی هدایت

www.hedayat.org